

کاش سندیکاچیان ایرانی اندکی به فکر افتند!

فعالین جنبش لغو کار مزدی

جرج ماوریکوس دبیر کل «دبلیو اف تی یو» به ایران می رود. او تنها نیست. جمعیتی از سندیکالیست های دیگر عمله و اکره سرمایه جهانی و صدرنشینان اتحادیه های کارگری دنیا او را در این سفر همراهی می کنند.

چرا این ها راهی ایران شده اند و هدف این مسافرت چیست؟ پاسخ بسیار روشن است. «همه گزینه ها روی میز هستند» قداره بندان حکومتگر بورژوازی بین المللی و حاکمان قطب غربی سرمایه، هر روز چندین بار در تکرار این عبارت از همدیگر سبقت می گیرند. همه گزینه ها دستور کارند. گزینه تحریم ها و تحمیل هلاکت بارترین گرسنگی ها بر کودکان و تمامی آحاد خانواده های کارگری، گزینه کوبیدن بر طبل جنگ و انداختن ریشه بر اندام کارگران و فرزندانشان، گزینه تدارک و راه اندازی جنگ داخلی در سوریه با هدف تقویت سکوی چانه زنی، گزینه مذاکره و باختن نرد عشق بر سر مسائل مورد اختلاف، گزینه فشردن دست اتحاد و تضمین جامع الاطراف استحکام پایه های قدرت هارترین رژیم های دینی سرمایه، گزینه تلاش نقشه مند برای هموارسازی راه صلح و صفا و همپیوندی استوار، گزینه آمد و رفت هیئت های رایزنی با هدف تاختن در این هموارسازی ها، گزینه شرکت جرج ماوریکوس و سایر صدرنشینان اتحادیه های کارگری دنیا در خیمه شب بازی های رسوای دولت هار اسلامی سرمایه، آری کل این گزینه ها بسیار دقیق و با رعایت تمامی سلسله مراتب و اولویت های لازم روی میز ردیف هستند. که چه شود و کدام هدف تضمین گردد. که بالاخره جمهوری اسلامی به دولتی از همه لحاظ مطیع و تسلیم و سر به راه قطب غربی سرمایه تبدیل شود، از تمامی باج خواهی های خود دست بردارد، طومار زیادت خواهیها را به دور اندازد و بسان سایر همتایان خویش در منطقه به خواسته های این قطب پاسخ مثبت دهد.

بورژوازی امریکا و متحدانش برای رسیدن به این هدف تمامی گزینه های بالا را روی میز دارند، غالب آنها را تا امروز به کار گرفته اند و هر روز وسیع تر به کار می گیرند. شرکت فعال و گسترده سران اتحادیه های کارگری دنیا از جمله جناب جرج ماوریکوس دبیر کل «دبلیو اف تی یو» در سناریوی رسوای «مجلس کارگری» تهران!! نیز بخش معین یکی از همین گزینه هاست. اینان به بارگاه قدرت دولت هار اسلامی سرمایه داری بار می یابند تا از سوی اوباما، کامرون، اولاند و سایر شرکا به بیت رهبری بگویند که ما در کار کشتار کارگران، در قتل عام توده های کارگر در تحمیل دنیای فلاکت ها و بی حقوقی ها بر کارگران، در زندانی ساختن هر فعال کارگری به طور قطع در کنار شما و یار میکده و محراب شما می باشیم. اینها نه فقط مایه هیچ اختلافی نمی تواند باشد که قطعاً

جزء ارگانیک و لایتهای اتحاد نهادین طبقاتی ماست. رؤسای اتحادیه ها در مجلس کارگری بیت رهبری حضور می یابند تا پیامگزار قطب غربی سرمایه به حاکمان دژخیم اسلامی سرمایه داری باشند و به آن ها اعلام دارند که راه همدلی و وحدت و همجوشی هموار است. باید کفه زیادت خواهیها را سبک تر ساخت، باید سر تسلیم فرود آورد و با این کار کل قدرت دنیای سرمایه داری را در تحمیل تمامی سیه روزی ها بر طبقه کارگر ایران در پشت سر خود خواهید داشت.

جرج ماوریکوس دبیر کل « دلیو اف تی یو» و همراهان هیچ کار تازه ای نمی کنند. آنان رسالت تاریخی و سرشتی خویش را انجام می دهند. اتحادیه ها وجود دارند تا سرانشان ابزار تحمیل نظم بردگی مزدی بر توده های کارگر باشند، تا در مناقشات درونی بخشهای مختلف بورژوازی سیاست های دیکته شده قطب قدرت مسلط سرمایه را به بوته اجرا بگذارند. تا بر حسب فرمان مطاع کاخ سفید و حاکمان متحدش، با ریاکاری، دروغ و شعبده بازی زایدالوصفی لباس حمایت از کارگران حوزه حاکمیت این یا آن رژیم متمرّد طرف مشاجره این قطب به تن کنند!! تا در دل این دعوها با نیرنگ شنیع مدعی دفاع از حقوق کارگران این یا آن کشور شوند، تا به عنوان نهادی از نهادهای قدرت سرمایه در این یا آن کشور شریک کودتاگری ها، جنگ افروزی ها و همه جنایت های بورژوازی بین المللی علیه کارگران گردند. انجام همه این امور رسالت ذاتی اتحادیه های کارگری و افرادی مانند جرج ماوریکوس و همراهان است. این موضوعی است که از چشم هیچ کارگر آگاهی پوشیده نیست. کسانی که دست به کار انکار این واقعیت ها هستند اگر نه دشمنان آشکار طبقه کارگر حداقل آتش بیاران آگاه معرکه بورژوازی بین المللی برای سوختن جوانه های هر جنب و جوش سرمایه ستیز بردگان مزدی سرمایه می باشند.

تا اینجا جای بحثی نیست. اتحادیه های کارگری این هستند و آنچه در این مسافرت انجام می دهند هیچ تازگی ندارد، قصد ما از نگارش این چند سطر نیز افشاگری علیه صدرنشینان اتحادیه ها و بازگویی نقش آن ها به عنوان مزدوران قدرت سرمایه علیه کارگران نمی باشد. این کار را ما سالیان متمادی است که انجام داده ایم. آنچه فی الحال بیش از هر چیز مورد نظر است هشدار به توده های کارگر برای شناخت بیشتر و آگاهانه تر سندیکاسازان و احزاب چپ ناست. سندیکاچیان و احزابی که سالیان دراز سعی در اغوای کارگران و سوق دادن آنها برای آویختن به دار سران اتحادیه های جهانی و انحلال جنبش کارگری در باتلاق سندیکاسازی و رفرمیسم سندیکالیستی داشته اند و همچنان دارند. محافلی که شب و روز در گوش کارگر ایرانی موعظه کردند تا به جای سازمانیابی خود علیه سرمایه و اعمال قدرت متحد ضد سرمایه داری به دار « گای رایدار» و « جرج ماوریکوس» و همتایان دخیل بندند. به فعالین کارگری توصیه کردند که پشت سر هم نامه « گای رایدر عزیز» بنویسند. طومار

دادخواهی به گای رایدرها تسلیم کنند و در یک کلام به جای مبارزه طبقاتی و به عنوان آلت‌رناتیو پیکار ضد سرمایه داری چشم انتظار معجزه گری سران اتحادیه ها برای حل مشکلات خود شوند. در آن روزها گای رایدر و جرج ماوریکوس نقش اهرم اعمال فشار بورژوازی غرب بر دولت هار اسلامی سرمایه را ایفاء می کردند و احزاب و رفرمیستهای سندیکاچی همین رسالت این مزدوران را اعجاز همبستگی کارگری القاء می کردند. امروز نقش اعمال فشار امریکا و امارش بر رژیم اسلامی سرمایه به گستره عظیم تحریم ها، جنگ افروزی ها و منزوی سازی ها محول گردیده است و مأموریت هموارسازی راه مذاکرات به دیگران از جمله سران اتحادیه ها ارجاع شده است. فعالین کارگری آگاه ایرانی خاطره این کارهای احزاب، گروهها، « اتحاد » ها و نسخه نویسان سندیکا را از یاد نمی برند. در تمامی این سال ها هر کجا سخنی از جمع شدن عده ای کارگر برای سازمانیابی خود علیه سرمایه و بردگی مزدی به میان آمد، این ها از شرق تا غرب و از خارج تا داخل همجوش و همپیوند ندا سر دادند که کارگر را با سرمایه ستیزی چه کار؟!، عمر اعجاز گای رایدرها دراز باد! باید سندیکا ساخت. باید از گای رایدر و جرج ماوریکوس مدد خواست تا در معماری سندیکاها یار و یاور ما باشند. باید علیه هر ندای ضد کار مزدی تازید، باید منادیان جنگ کارگران علیه سرمایه را در هم کوبید و بر ویرانه تلاش آن ها بساط سندیکاسازی، حزب بازی و توسل به گای رایدر پهن کرد. این ها، این جماعت در طول این سال ها همه جا چنین کردند و امروز نیز همچنان به همین کارها ادامه می دهند. کارگر دوستی و رسالت اینان به عنوان احزاب و فعالین کارگری این بوده است و امروز جرج ماوریکوس آنها در ایران، در « مجلس کارگری »!! دولت هار اسلامی سرمایه داری پیامگزار قطب غربی قدرت سرمایه جهانی برای حل و فصل مناقشات درونی بورژوازی به نفع این قطب و علیه توده های کارگر است. سران اتحادیه ها در شرائطی وارد ایران می شوند که حتی شمار قابل توجهی از سندیکالیست های ایرانی نیز در اعماق سیاهچال های جمهوری اسلامی به سر می برند. اینکه سندیکاچیان و احزاب در قبال این همه بازگونه پردازی ها و عوامفریبی های رفرمیستی ضد کارگری خود در طول این مدت چه پاسخی برای کارگران دارند، نمی دانیم اما ایکاش آن ها می توانستند با رجوع به کارنامه تاریک خود رویکرد دیگری پیش گیرند.

فعالین جنبش لغو کار مزدی نوامبر ۲۰۱۲

Manba: www.kaargar.org

Taksir : yashar.doulatabadi@gmail.com